

مصاحبه با پیشکسوتان

دیدار با آلبرت برناردی*

آقای آلبرت برناردی از وکلای فاضل و خوشنام دادگستری است که قریب ۵۴ سال است به شغل شریف وکالت اشتغال دارند. ایشان دبیر کمیسیون امور بین‌الملل کانون وکلای مرکز می‌باشند و گفتگوی حاضر در روال مصاحبه با پیشکسوتان با ایشان انجام شده است.

□ آقای برناردی ممکن است در ابتدا مختصری در شرح تحصیلات خود بیان فرمایید؟

■ من فارغ‌التحصیل مقطع لیسانس در رشته حقوق قضائی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۷ هستم و نیز در سال ۱۹۸۷ میلادی یکی از دانشگاه‌های آمریکا به نام بنیاد دانشگاهی آمریکا درجه دکتری افتخاری به اینجانب اعطا کرد. گو اینکه معتمد فقط یک درجه افتخاری است و حاضر نیستم مرا با عنوان دکتر خطاب کنند.

□ شروع دوره کارآموزی جنابعالی از چه زمانی بوده است و تحت سرپرستی کدامیک از وکلا کارآموزی خود را سپری کرده‌اید؟

■ پس از فارغ‌التحصیل شدن در مقطع کارشناسی حقوق قضائی در سال ۱۳۲۷، در کانون وکلا ثبت‌نام کردم و برای گذراندن کارآموزی که در آن زمان یک سال بود به یکی از وکلای معروف آن دوره به نام محمود هرمز مراجعه کردم، ایشان از افراد برجسته حزب توده بود. هنوز شش ماهی از کارآموزی اینجانب نزد ایشان سپری نشده بود که در جریان سوء قصد علیه شاه در مورخه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و متعاقب آن منحل شدن حزب توده و دستگیری سران و افراد برجسته آن، وکیل سرپرست من نیز دستگیر و به زندان افتاد. به

* - این مصاحبه توسط خانم فاطمه حاتمی کارآموز وکالت انجام شده است.

ناچار به وکیل دیگری مراجعه کردم و این بار تصمیم گرفتم به وکیلی مراجعه کنم که در قطب مخالف قرار داشته باشد. ایشان مرحوم عبدالله خاوری از اطرافیان سیدضیاءالدین طباطبایی بودند. اما از بد روزگار ایشان نامزد نمایندگی مجلس از لار شدند و در پی اغتشاش بی سابقه لار به خاطر انتخابات مجلس، دستگیر و زندانی شدند. تا آن زمان، ۱۱ ماه از کارآموزی من می‌گذشت و من مجدد بدون وکیل سرپرست ماندم تا اینکه به رییس سازمان بازرسی کانون وکلا به نام کامرانی معروف به کامران میرزا مراجعه و شرح حال کارآموزی خود را توضیح دادم ایشان خندیدند و گفتند این یک ماه را هم بدون وکیل سرپرست بگذرانید اشکالی ندارد چون می‌ترسم این بار هم وکیل سرپرست انتخابی به زندان برود. در نتیجه در اردیبهشت ۱۳۲۸ به اینجانب پروانه وکالت داده شد.

□ آیا از آن تاریخ تاکنون به طور مستمر به شغل وکالت اشتغال داشته‌اید؟

■ از زمان صدور پروانه وکالت اینجانب در اردیبهشت ۱۳۲۸ تاکنون حدود ۵۴ سال است که صرفاً به شغل وکالت اشتغال داشته‌ام البته منهای دو سال و چند ماه که به موجب حکم دادگاه انقلاب ممنوع از وکالت شدم.

□ اگر امکان دارد از علت ممنوع‌الوکاله شدن جنابعالی قدری بیشتر توضیح فرمایید؟

■ ابتدا به موجب حکم دادگاه انقلاب در سال ۱۳۶۲، تعداد ۵۷ نفر از وکلای نامدار دادگستری ممنوع‌الوکاله شدند که البته علت آن معلوم نشد. بعد از یک سال و چند ماه به اصرار دوستان به حکم صادره اعتراض کردم. لازم به ذکر است که این امر به علت اصلاح پاره‌ای از قوانین و در نتیجه امکان اعتراض به احکام دادگاه انقلاب مهیا گردید. به هر حال پس از گذشت مدتی آقای آیت‌آ... گیلانی که حکم اولیه را صادر کرده بود نسبت به شخص اینجانب حکم را فسخ کرد و در نتیجه در سال ۶۴ پروانه وکالت اینجانب اعاده شد و مجدداً به این حرفه که همیشه به آن دلبستگی داشتم پرداختم.

□ عمده فعالیت‌های جنابعالی در چه زمینه‌هایی بوده است؟

■ در سالهای اولیه وکالت علاقه فراوان به امور جنایی و کیفری داشتم زیرا همیشه معتقد بودم استعداد، قریحه، قدرت خطابه و بیان وکیل در دادگاههای کیفری به ویژه جنایی بارزتر و نمایان‌تر است تا در دعاوی حقوقی که غالباً با دادخواست و لوایح برگزار می‌گردد. در ایران ما بجز چند نفر مانند مرحوم دکتر شاهکار، وکلای جنایی برجسته که

منحصراً در این رشته فعالیت کنند، نداشتیم و علت آن کم درآمد بودن این رشته بود. در ایران درست برعکس کشورهای خارجی است. متهمین معتقدند اگر درخواست وکیل تسخیری کنند بیشتر ترحم و عطف دادگاه را جلب می‌کنند. در هر حال رفته رفته گرایش و سوق به فعالیت در زمینه‌های حقوقی پیدا کردم و نیز به علت آشنایی با زبان و سایر مسائل در زمینه امور بین‌الملل نیز فعال هستم. عمده فعالیت‌های اینجانب شامل امور بین‌الملل - شرکتهای - سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در ایران - قراردادهای - حکمیتهای - ثبت علائم تجاری و اختراعات می‌باشد.

□ بنابراین با عنایت به یکی از زمینه‌های فعالیت شما می‌خواهیم از خدمتتان پرسش کنیم که چنانچه مستحضر هستید در قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۶۲/۵/۱۸ مواد ۱۲۰ الی ۱۲۵ تحت عنوان «دسیسه، تقلب در کسب و تجارت» پیش‌بینی شده بود که در آن موارد جعل علائم تجاری ثبت شده در ایران و استعمال آن و تقلید علائم تجاری مندرج بود که متأسفانه در قانون مجازات اسلامی فعلی حذف شده است. به نظر شما با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون پاریس و لزوم پیش‌بینی کلیه موارد در قوانین کشورهای عضو، این خلاء قانونی چگونه قابل جبران است؟

■ قانون ثبت علائم و اختراعات تجاری مصوب سال ۱۳۱۰ است و ۷۲ سال است که تغییر نیافته است. آئین‌نامه تجدیدنظر و اصلاح آن مربوط به سال ۱۳۳۷ است. اینجانب یک بار از اداره حقوقی قوه قضائیه علت حذف آن موارد را مورد پرسش قرار دادم که به علت عدم پاسخگویی، پرسش خود را از طریق کانون وکلا مطرح کردم و متأسفانه پاسخ دریافتی راضی‌کننده نبود. ضمناً در یکی از شماره‌های پارسال مجله کانون وکلا نوشته‌ای در این خصوص از اینجانب چاپ شد. اخیراً کمیسیونی به نام بازنگری علائم ثبتی و اختراعات تشکیل شده که از جمله اعضای آن حجت‌الاسلام محقق داماد - دکتر پورنوری رئیس شعبه ۳ دادگاه حقوقی و رئیس مجتمع قضائی شهید بهشتی - آقای دکتر میرحسینی معاون سازمان ثبت و املاک و خانم شهین محتحن رئیس اداره مالکیت صنعتی و اینجانب و چند نفر دیگر می‌باشند.

□ با توجه به اینکه جنابعالی اقلیت دینی می‌باشید آیا هیچ وقت با مشکلی در این

رابطه مواجه شده‌اید؟

■ به هیچ وجه. حتی می‌خواهم عرض کنم که گاهی اوقات نسبت به من و هم‌کیشانم احترام بیشتری مشاهده کرده‌ام. تبعیضی در کار نبوده است. البته ادب و نزاکت امری طبیعی است که بایستی در کارها وجود داشته باشد، اما قضاوت من این است که یکی از مواردی که منجر به معروفیت اینجانب در تمام دوران وکالت گردید کتب ترجمه شده توسط بنده از جمله کتاب «جنایاتی که آمریکا را تکان داد» بود. این کتاب شرح حال و مدافعات معروفترین وکیل جنایی آمریکا به نام لیوویتز بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ بود که با توجه به اندک بودن کتب حقوقی قابل دسترس و آکادمیک و نظری بودن آنها، این کتاب از نظر مواردی مثل کشف جرم، تحقیق از متهم، تحقیق از گواهان، هیأت منصفه، دفاع وکیل در مسائل جنایی و غیره منحصر و متفاوت بود. این کتاب ۳ بار تجدید چاپ شد و معروفیت زیادی پیدا کرد تا جایی که آقای دکتر کی‌نیا استاد دانشکده حقوق در جلد اول کتاب جرم‌شناسی خود ۶۲ صفحه از این کتاب را با ذکر منبع و مأخذ نقل کرده‌اند.

□ نظر شما در مورد حرفه وکالت در کشور ما چیست؟

■ امیدوارم امر وکالت در کشور ما مانند بسیاری از کشورهای دنیا تخصصی گردد. این اصلاً قابل قبول نیست که یک وکیل در تمام زمینه‌ها فعالیت کند. با این روش امکان ندارد در هیچ زمینه‌ای تخصص یابد. امیدوارم لااقل اگر در این وسعت تخصصی شدن امر وکالت اتفاق نمی‌افتد در تقسیم‌بندی کلی‌تری به کیفری و حقوقی از یک تخصص‌گرایی بهره‌مند گردیم.

□ لطفاً یکی از بهترین خاطرات خود را تعریف نمایید؟

■ بهترین خاطره من مربوط است به یکی از وکالت‌های اینجانب در دادگاه جنایی در سال ۱۳۳۹ از معروفترین گانگستر ایران به نام سید مهدی بلیغ، من کلمه گانگستر را به کار بردم زیرا آن فرد نه مثل جاهلهای آن زمان چاقوکش بود نه کلاه مخملی داشت و نه سیبلیهای تابیده، بلکه فردی بسیار شیک و تحصیلکرده بود. این فرد تا زمانی که وکالت او را به عهده گرفتم ۲ بار به اعدام محکوم شده بود و ۲ بار دیوانعالی کشور حکم را نقض کرده بود و من در سومین محاکمه وارد شدم زمانی که دادستان کیفرخواست را خواند ۲۱ ادعای جنایی از قتل نفس گرفته تا سرقت‌های مسلحانه، جعل و غیره به وی منتسب

گردید. او آشنایی به چند زبان داشت، من هنوز نامه‌هایی را که برای من از اکثر زندان‌هایی که در مدت ۲۰ سال گذرانیده بود مثل دژ برازجان، قصر، قزل حصار و... می‌فرستاد، دارم. نامه‌ها با خط بسیار زیبای فارسی نوشته شده و دارای مضامین پرمغز است. فکرش را بکنید یک زندانی از ژان ژاک روسو، موتسکیو باشما مکاتبه کند، بحث‌های حقوقی راجع به ماده‌های قانونی بنماید. به هر حال وقتی ایشان را برای خواندن پرونده‌اش به دادگاه جنایی در طبقه دوم کاخ دادگستری می‌بردند به بهانه رفتن به دستشویی از پنجره کوچک خود را بیرون انداخته و ناپدید شد. سه سال بعد پلیس بین‌الملل وی را در بیروت دستگیر و به ایران تحویل داد. از آنجا که در اواخر رژیم پهلوی قانونی تصویب شد که اگر کسی شاکی خصوصی داشته باشد پس از ۲۰ سال و اگر شاکی خصوصی نداشته باشد پس از ۱۰ سال باید از زندان آزاد شود، او بعد از ۲۰ سال آزاد شد. خیلی از مجلات آن زمان، استودیوهای فیلمبرداری حتی سازمان امنیت از او درخواست همکاری کردند که نپذیرفت. بعضی وقتها به دفتر من می‌آمد و به من سر می‌زد او را راهنمایی می‌کردم دنبال کار شرافتمندانه برود ولی متأسفانه مشغول پخش و توزیع مواد مخدر شد. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران او و دو نفر از همدستانش دستگیر و در یک محاکمه فوری به اعدام محکوم شدند و در خیابان ناصرخسرو یعنی محل فعالیت آنها تیرباران شدند. من این را به عنوان یک خاطره جالب برای خود حفظ کردم که البته اگر عمر من کفاف دهد کتابی را در این زمینه خواهم نوشت.

□ نظرتان در مورد عملکرد کانون وکلا در کل و در مورد کمیسیون امور بین‌الملل به طور خاص چیست؟

■ همکاران من از جناب آقای کشاورز گرفته تا اعضای کمیسیونها با جدیت فعالیت می‌کنند و خوشبختانه کانون در حال حاضر وضعیت آبرومندانه‌ای دارد. من در کمیسیون بین‌الملل کوششم بر این است که کانون وکلای کشورمان را که در دنیا ناشناخته مانده است، بشناسانم. علت ناشناخته ماندن ما در دنیا عدم حضور در کنفرانسهای بین‌المللی است که شاید هر ماه در یک کشور دنیا برگزار می‌گردد. متأسفانه مشکلات مالی موجود، امکان پرداخت و تقبل هزینه این گونه سفرها را توسط کانون وکلا، فراهم نمی‌کند از سوی دیگر برای وکلا نیز تحمل مخارج این سفرها به تنهایی امکانپذیر

نیست. اما می‌توانیم با استفاده از وسایل دیگری مانند اینترنت، تلاش در رفع این محدودیتها کنیم.

□ آیا شما در کنفرانس یا کنوانسیونهای بین‌المللی حضور یافته‌اید؟

■ بله در مجموع در حدود ۲۵ کنفرانس بین‌المللی چه قبل و چه بعد از انقلاب شرکت کرده‌ام و نیز در دعاوی ایران و آمریکا که در لاهه برگزار می‌شد حضور داشتم.

□ آیا کارآموزی تحت سرپرستی جنابعالی کارآموزی می‌کند؟

■ خیر. چون دایره فعالیت‌های اینجانب در حال حاضر محدود به مواردی است که عرض کردم و تردد دعاوی به دادگاهها ندارم. کارآموز باید پیش وکیلی دوره کارآموزی خود را بگذراند که در مراجعه او به دادگاهها، همراه وی باشد. کارآموزانی به اینجانب مراجعه می‌کنند که با این توضیح از ایشان عذرخواهی می‌کنم.

□ اگر توصیه و راهنمایی به وکلای جوان و کارآموزان مدنظر جنابعالی است خواهشمندم به شنیدن آن ما را سرافراز فرمایید؟

■ به عنوان یک وکیل سالخورده یادآوری می‌کنم که شرافت حرفه وکالت و سوگند را هرگز نباید از خاطر ببریم. وکلای جوان اگر احساس می‌کنند در دعاوی از حقانیت برخوردار نیستند به قیمت هیچ حق‌الوکاله‌ای آن را نپذیرند.

□ در آخر اگر نکته‌ای، انتقاد و یا پیشنهادی در خصوص مجله کانون مدنظر دارید بفرمایید.

■ ابتدا عرض کنم که به علت آشنایی با حرفه روزنامه‌نگاری خیلی علاقه داشتم در کمیسیون انتشارات کانون عضو باشم، به هر حال می‌توانیم بگوییم که مجله کانون مجله مفید و پرمحتوی می‌باشد اما به نظر اینجانب می‌توان با گنجاندن بخشهایی مانند محاکمات و روند دادرسی‌ها در کشورهای دیگر حتی داستانهای جنایی و امثالهم، آن را از حالت یکنواختی که صرفاً بحثهای آکادمیک و نظری خشک دارد، خارج کرد.